



تحولات ذوق هنری در غرب
(گرایش به اصول هنرهای آغازین)
ارنست هانس گامبریج
ترجمه‌ی محمدتقی فرامرزی
انتشارات فرهنگستان هنر

سیسرون معتقد بود تمام حواس ما مشمول گذر از ارضای احساس‌ها تا رسیدن به بیزاری می‌شوند. ولی تمامی این هنرها را در اینجا می‌گنجانند، اما اگر چه از نقالی و سپس آواز نام می‌برد، توجه واقعی‌اش بر هنر خطابه معطوف بوده است، چرا که هدف وی در خارج شدن از موضوع، هشدار به خواننده در قبال هرگونه تلاش برای اغواکردن مخاطبان به کمک نمایش شفاهی است. آنچه کتاب حاضر به آن می‌پردازد، این واقعیت است که تکامل هنرها، به صورت موازی صورت گرفته است؛ و به بیانی قرن‌های بسیاری گذشته تا هنرها توانسته‌اند به آن جذابیت آسان برای حواس ما برسند که سیسرون در مورد آنها هشدار می‌داد. جورج وازاری معتقد بود که هنرها از زمان سقوط در قرن‌های تاریک تا دوره‌ی رنسانس پرشکوه ایتالیا، پیشرفت کرده بودند. صعودی آهسته از شیوه‌ی زمخت بیزانسی‌ها تا سبک صیقل‌خورده و ماهرانه روزگار وی.

نویسنده با نگاه به آرا وازاری و سیسرون و فرض بر درستی آنها نتیجه‌گیری می‌کند که تکامل هنر درست در جهت مخالف تکامل ذوق هنری جریان یافته است. به گفته‌ی لاجوی و بوئز یکی از سخت به نرم و و دیگری از نرم به سخت رسید.

کتاب پیش رو حاصل چهاردهه تلاش گامبریج است. کتاب روایتی سرشار از بحث و استدلال به همراه نقل قول‌های گسترده است که نقش آفرینندگان، منتقدان و هنرمندان را در شکل‌دهی به اندیشه و متحول کردن آن به روشنی نشان می‌دهد. گامبریج با بازنگری در آثار نویسندگان عصر کلاسیک، پیشرفت این اندیشه را از احیای آن در قرن هجدهم کپی می‌گیرد و به اسناد کافی در تأیید تغییرات ظریف ذوق و قضاوت هنری اشاره می‌کند که اغلب بر نقش محوری رافائل در تاریخ هنر تکیه می‌کند. وی در فصول پایانی به موضوع انقلابی بدوی‌گرایی در قرن بیستم پرداخته و تحولات مهم ذوق هنری را تحلیل می‌کند.

کتاب در هفت فصل منتشر شده است:

اولویت‌های افلاطون؛ سلطه‌ی عنصر اعجاب‌انگیز، آرمان پیشارافائلی، در جست‌وجوی معنویت؛ آزادسازی ارزش‌های صوری؛ سده‌ی بیستم؛ آغازین، به چه معنی